دو وجه در معنای آیه «و لتکملوا العده» در مجمع البیان؛ عده شهر مبارک و عده قضاء

مرحوم طبرسی در الاعراب دو وجه را برای عطف «ولتکملوا» فرمودند. یکی اینکه مقدر و محذوف ما بعد از «و لتکملوا» باشد. «و لتکملوا العده شرّع ذلک». ای محذوف قبلش باشد؛ «یرید الله لیسهل علیکم و لتکملوا العده»، «یرید الله لان تکونوا فی یسر و لتکملوا العده». و با این دو وجه سراغ معنا میروند. آن چه که من میخواهم عرض کنم، این است: سؤال من این است؛ در این سؤال دقت کنید و ببینید وجه قطب راوندی میتواند به این صورت به میدان بیایید یا نه؟ روی این دو احتمالی که ایشان فرمودند آیه را با «لتکملوا» چطور معنا کنیم؟ میفرمایند: «یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر و لتکملوا العده»؛ یعنی آن را برای شما آسان کرد تا عده را کامل کنید. «و لتکملوا العده» یعنی «لتکملوا» نتیجه میشود که خداوند برای شما یسر را خواسته؟ آن را تشریع کرده تا عده را کامل کنید؟! اینکه ملازمه ای ندارد. اصلاً نمیتواند غایت آن باشد. «یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر» خوب است. یعنی «یرید الله لیسهل علیکم». یعنی عطف بر سهوولت باشد؛ «یرید الله بکم لیسهل علیکم، و یرید الله لتکملوا العده»، متفرع بر سهل است؟ یا استقلال منظور است؟ اینها باید معلوم شود.

شاگرد: یعنی در حال عادی بدون مرض و سفر، شهر را روزه بگیرید، در سفر روزه نگیرید و بعداً بخوانید. چرا این حکم را میکنم؟ برای اینکه یسر را میخواهد و عسر را نمیخواهد و اکمال عده را هم میخواهد.

استاد: ببینید ایشان در این دو وجه، ذیل المعنی در صفحه بعد میفرمایند:

> **وقوله: (ولتكملوا العدة) تقديره: يريد الله لأن يسهل عليكم، ولأن تكملوا أي: تتموا عدة ما أفطرتم فيه، وهي أيام السفر والمرض بالقضاء، إذا أقمتم وبرأتم، فتصوموا للقضاء بعدد أيام الإفطار. وعلى القول الأخر: فتقديره ولاكمال العدة شرع الرخصة في الإفطار. ويحتمل أن يكون معناه: ولتكملوا عدة الشهر، لأنه مع الطاقة وعدم العذر يسهل عليه إكمال العدة، والمريض والمسافر يتعسر عليهما ذلك، فيكملان العدة في وقت آخر.[1]**

«وقوله: (ولتكملوا العدة) تقديره: يريد الله لأن يسهل عليكم، ولأن تكملوا أي: تتموا عدة ما أفطرتم فيه»؛ آن عدهای که افطار کردهاید را تمام کنید.

«وهي أيام السفر والمرض بالقضاء، إذا أقمتم وبرأتم، فتصوموا للقضاء بعدد أيام الإفطار»؛ این برای این بود که محذوف قبل باشد.

«و على القول الأخر»؛ که محذوف بعد باشد. «فتقديره ولاكمال العدة شرع الرخصة في الإفطار»؛ اینکه گفتیم برای این است که عدد را کامل کنید.

«ويحتمل أن يكون معناه: ولتكملوا عدة الشهر»؛ دوباره به وادی شبه رواىات عدد میرود. «لتكملوا عدة الشهر» چرا؟ چون قبلش بود: «لأنه مع الطاقة وعدم العذر يسهل عليه إكمال العدة، والمريض والمسافر يتعسر عليهما ذلك، فيكملان العدة في وقت آخر»؛ بنابر این فرض که این آیه را ناسخ آیه قبل بگیریم. «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ» به چه چیزی نسخ شده؟ به این قولی که مرحوم طب نپذیرفتند. قبلش خودشان گفتند «و الاول اصح». اقوی یعنی آیه ناسخ نیست. دو آیه پشت سر هم. اما بنا بر اینکه ناسخ باشد، به این صورت میشود: قبلاً گفتیم روزه بگیری بهتر است، اگر هم «یطیقونه» فدیه بدهی. اما حال نسخ شده، «فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»؛ دیگر واجب است. بعد چه؟ «وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ ال میگویند: «لأنه مع الطاقة وعدم العذر يسهل عليه إكمال العدة»؛ ولو سختش است اما وقتی عذری ندارد دیگر الآن یسیر میشود. چون حاضر است و مشکلی ندارد و مریضی ای هم ندارد. لذا یسر هست و باید بگیرد مگر در مریضی و سفر که آن عسر هست. طاقتش به نحوی است که نمیتواند روزه باشد. «فيكملان العدة في وقت آخر».

ومن قال: إن شهر رمضان لا ينقص أبدا، استدل بقوله (ولتكملوا العدة). وقال: بين تعالى أن عدة شهر رمضان محصورة، يجب صيامها على الكمال، والا يدخلها نقصان والا اختلال فالجواب عنه من وجهين أحدهما: إن المراد (أكملوا العدة) التي وجب عليكم صيامها. وقد يجوز أن يكون هذه العدة تارة ثلاثين، وتارة تسعة وعشرين والأخر: ما ذكرناه من أن المراد راجع إلى القضاء، ويؤيده أنه سبحانه ذكره عقيب ذكر السفر والمرض.[2]

خب ببینید چرا غایت «برای اینکه عده را کامل کنید» بهدنبال یسر آمد؟ عبارتشان را بخوانم تا تمام شود. میفرمایند:

«ومن قال: إن شهر رمضان لا ينقص أبدا، استدل بقوله (ولتكملوا العدة)»؛ کسی که گفته، به این آیه استدلال کرده. البته در رواىات هم استدلال به این آیه آمده. فقط قول قائلین نیست.

«وقال: بيّن تعالى أن عدة شهر رمضان محصورة»؛ یعنی تعدادش روشن است. **«يجب صيامها على الكمال، ولا يدخلها نقصان ولا اختلال فالجواب عنه من وجهين»؛** کسی که به این آیه استدلال کرده، به دو وجه جواب میدهیم.

«أحدهما»؛ جواب معروفی است. سید و دیگران دارند. **«إن المراد (أكملوا العدة) التي وجب عليكم صيامها»؛** «ولتکملوا العدة» یعنی عدة ایام شهر رمضان، اگر بیست و نه بود، بیست ونه. اگر سی بود، سی. این معلوم است. **«و قد يجوز أن يكون هذه العدة تارة ثلاثين، وتارة تسعة وعشرين».**

«والأخر»؛ جواب دوم؛ اینکه اصلاً این عده برای شهر رمضان نیست. **«ما ذكرناه من أن المراد راجع إلى القضاء»؛** همه اینها را در مباحثه برای این جمله خواندیم. یعنی «ولتکملوا العدة التی افطرتم» نه «ولتکملوا عدة الشهر» تا بعد بگویید چون قبل از زوال دیدیم فایده ندارد و باید روز سی ام را روزه بگیرید تا عدد کامل شود. ما گفتیم «راجع الی القضاء». «ويؤيده أنه سبحانه ذكره عقيب ذكر السفر والمرض»؛ بعدنبال سفر و مرض آمده است. خب دنبال سفر و مرض به چه معنا است؟ یعنی عدهای که بهخاطر آن قضا میکنید، «ولتکملوا»؛ باید همان عده را، باید دنبال سفر و مرض را که ذکر شده که این عده بوده قضا کنید.

حال سؤال من این است: با این دو استدلالی که گفتند «و لتکملوا» چطور میتواند یک سیاق منسابی با قبل ایجاد کند؟ آقا توضیح فرمودند. مقصود من را ببینید. وقتی شما آیه را نگاه میکنید به این صورت است: «باید روزه بگیرید، اگر مریض و مسافر هستید «عدة من ایام اخر». خدا برای شما آسان را میخواهد و عسر را نمیخواهد، و برای اینکه عدد را کامل کنید». فضا فضای این بود که واجب شد، بعد اگر مریض بودی برداشته شد «فعدة من ایام اخر» و برای اینکه عدد را کامل کنید. «و برای اینکه عدد را کامل کنید» را چطور میخواهید بر آنها متفرع بگیرید؟! با «لیسهل علیکم» یک نحو تاهفت از حیث مراد دارد. اگر میخواهید آسان باشد، دیگر امر به اینکه عده را کامل کنید، با هم تاهفت پیدا میکند. برای این عرض میکنم که تحریک ذهن شود.

---

[1] مجمع البيان في تفسير القرآن - ط مؤسسة الأعلمي للمطبوعات نویسنده : الشيخ الطبرسي جلد : ۲ صفحه : ۱۶

[2] همان ص ۱۷

بازبینی #1
ایجاد شده 22 آوریل 2026 13:45:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2026 13:49:26 توسط ... .